

تعلیم و تربیت

شماره پنجم

مرداد ماه ۱۳۱۳

سال چهارم

تجدید مطلع یاشرح وبسط مطالبی که درنمره اول مجله تعلیم و تربیت
امسال راجع باصول تعلیم نگاشته شده

تربیت بدنی

نگارش آقای دکتر ولی الله خان نصر
مدیرکل وزارت معارف

تربیت بدنی را دوفائده مهم است:

یکی استحکام و تقویت جسم و مزاج و تأمین صحت طفل برای زندگانی
آینده و دیگر چستی و چالاکی بدن و چابکی دست برای هر کار،
این مهارت و استعداد برای هر کس و مخصوصاً برای محصلین مدارس ابتدائی
که غالباً میخوانند در آینده بواسطه اشتغال بکارهای بدی از تزیینات بسیار مفید و مؤثر است.
بدون اینکه مدرسه ابتدائی از شکل دبستان خارج شده بصورت کارخانه
درآید میتواند بوسیله ورزش و ریاضت های بدنی پسران را برای کار و سر بازی و دختران
را برای خدمات خانه مهیا سازد.

طریقه آن - نظر باینکه ورزش از کارهای مدرسه مخصوصاً از تعلم رفع
خستگی میکند اطفال همیشه بآن شائق و مائل بوده آنرا بهترین بازی و سرگرمی
برای خود میدانند بدین جهت است که با کمال سهولت میتوان آنها را برای این کار حاضر نمود.
دستور تفصیلی ورزش (باستثناء مشقهای نظامی که در خارج آموخته می-
شود) در پرگرامهای معارفی مندرج است و بعلاوه مؤسسات مخصوصی برای تربیت
و تهیه معلم ورزش دائر میباشد.

تمرینات مربوط بکارهای یدی اطفال بدو قسمت تقسیم میشود . يك قسمت از آنها بطور کلی باعث ورزش انگشتان و چابکی دست و سرعت و سهولت و استقامت حرکات است قسمت دیگر عنوان سرمشق کار دارد و بکمک دروس مخصوصی سبب آموختن طرز و طور کار های صنعتی با اطفال میشود . .

کار های دستی دختران علاوه بر بریدن و دوختن بواسطه دروسی چند تحت نظر معلمه صورت میگیرد نه تنها باید قواعد خانه داری را بآنان آموخت بلکه در ضمن درس و مخصوصاً عمل باید عشق بکار و انتظام امور و پرهیز کاری را در قلب آنان جای داد و حتی المقدور باید آنانرا از بعضی افکار بیهوده و شاید ناشایسته دور کرد منظور از تعلیم کار های یدی در مدارس ابتدائی آموختن کار های زیاد یا کار های مشکل یا شاهکار ها نیست بلکه مقصود آنست که باین وسیله طفل تربیت شود و ذهنش برای کار های دستی حاضر گردد و ذوق و چابکی و مهارت در او تجلی کند آنوقت است که اهمیت کار دستی ظاهر و عشق بکار در اطفال پدیدار میشود تعلیمات باید بتدریج و تناسب پیش رود و با نقشه ها و طرحهای مختلف با تجسم در خارج و روی تخته سیاه توأم باشد.

شناسائی اشکال و رعایت تناسب از لحاظ تعلیمات اطفال اگر در درجه اول اهمیت نباشد لاقابل بقدر تکمیل خیاطی و شبکه دوزی باید منظور گردد .

باید همیشه مجموعه از نمونه کارهای اطفال که بدستور معلمین ساخته میشود برای مدرسه تهیه شود روزی دو ساعت مخصوص ورزش است از این دو ساعت لاقابل نیم ساعت برای اطفال بیشتر از ده سال خواهد بود .

کارهای یدی و مشقهای نظامی مخصوص (مشق اسلحه) جزء دروس ورزش محسوب نمیشود .

تربیت فهم و دراکه

تعریف این نحو تربیت بطوریکه در مدارس ابتدائی معمول است بنظر آسان میاید اگرچه در این مدارس مقداری محدود از معلومات و اطلاعات را می آموزند. معذرا این مقدار بطوری انتخاب شده است که نه تنها طفل میتواند در تمام کار

های عملی دوره زندگانی از آنها استفاده نماید بلکه تا اندازه جنبه تعلیمی و تربیتی آن نیز باقی بوده و بدین جهت قوای دماغی طفل توسعه یافته قوی میشود.

در تعلیمات ابتدائی آتقدر که بکیفیت آن اهمیت میدهند بکمیت آن اعتنا نمیکنند چه مدرسه ابتدائی برای خوب یاد گرفتن است نه زیاد گرفتن.

شاگردی که از آن مدرسه خارج میشود کم میدانند ولی خوب میدانند چه معلوماتش سطحی نیست این تعلیمات شخص را عالم یا نصف عالم نمیکند درحقیقت میتوان گفت شاگرد در این دوره تحصیل علم نمیکند بلکه طرز تحصیل را میآموزد دوره تعلیمات ابتدائی نسبت بصفرسن وقات وقت و وسائل و اعتبارمشاغلی

که اطفال میخواهند در آینده عهده دار باشند محدود است و قابل مقایسه باتعلیمات دوره متوسطه نمیباشد بدین ملاحظه نمیتوان مقرر داشت که نصف يك كتاب را در دوره ابتدائی و نصف دیگر را در دوره متوسطه بخوانند مهذا شباهت ووجه اشتراك بين این دو دوره موجود است باین معنی که در این هر دو شاگرد دارای اطلاعات میشود منتهی چون سن او در دوره ابتدائی کمتر است توسعه معلوماتش کمتر از دوره متوسطه میباشد والا در قسمت دیگر یعنی باز کردن ذهن و بیدار کردن هوش و روشن کردن فکر و تشکیل قوه عاقله و توسعه فکر و اصابت رأی طفل تعلیمات ابتدائی بقدر دوره متوسطه کمک میکند.

بقول یکی از معلمین فرانسوی « غرض از تعلیمات ابتدائی بدست آوردن تمام معلومات زندگانی نیست بلکه طفل را با آنچه در زندگانی ندانستش عیب است آشنا میسازد و رهبری میکند »

طرز تربیت دراکه- از آنچه در فوق گفته شد طرز و طریقه این تربیت مفهوم میشود. اصلا باید دانست که در دوره ابتدائی نه تنها اصرار درآم و ختن اعمال بدی نیست بلکه ابرام در آموختن و وسائل ساده اولیه معاشرت یعنی خواندن و نوشتن و حساب کردن هم نباید باشد چه رسد به تعقیب جدی و فرا گرفتن فصول مختلفه راجع بیک درس. تنها روشی که شایسته تعلیمات ابتدائی است آنست که معلم و شاگرد با یکدیگر صحبت کنند و بین آنان يك مباحثه ساده و مرتب و منظم برقرار گردد. قسمی

که آنان بتبادل فکر و نظر مجبور شوند تا با این روش شاگرد بزودی ترقی کند و مشکل برای او آسان گردد چه مقدمه آن که آسان بوده قبلا بدست آمده است بهتر بن اشکال تعلیم آنست که مشکل محصول آسان باشد بدین جهت است که توصیه میکنم معلم باید پایه درس را روی معلومات اولیه اطفال قرار دهد تا بتواند آنانرا وادارد که سهولت از معلوم پی بمجهول برند .

معلم بواسطه يك رشته سؤالات شفاهی یا کتبی شاگردان را براه تفکر و تعمق انداخته بکشف نتایج يك قانون و موارد استعمال يك قاعده یا یافتن قواعد کلی و عمومی برای کارهایی که تا حال اطفال بطور طبیعی انجام میداده اند رهنمون میشود معلم دهر موضوع از محسوسات شروع میکند و اشیاء را باسترس محصلین گذاشته ملاحظه و دقت آنانرا جلب میسازد یعنی ابتداء آنان را بحقیقت خارجی آشنا کرده بعد کم کم متوجه عالم معنی میکند و مستعد برای مقایسه و تعمیم و استدلال بدون مراجعه بمادیات مینماید در حقیقت جلب دائم توجه و قوه قضائی و تشخیص شاگردان است که دوره تعلیمات ابتدائی را تشکیل میدهد پس میتوان این دوره را چنین تعریف کرد :

دوره تعلیمات ابتدائی عبارت است از موادی که تعلیم آن باعث جلب توجه طفل بعالم خارج و نمو قوه ممیزه او میباشد .

تعلیمات ابتدائی اصولا هم جنبه اشراقی دارد و هم جنبه عملی

مقصود از اشراق در این مورد اتکاء بقوای معنوی طفل و معلومات اولی اوست که بر حسب فطرت و جبلت بفرست در یافته است - البته این معلومات بسیار ساده و ابتدائی است .

غرض از جنبه عملی آنست که کلیه وقت طفل بحرف تلف نشود و بجهنهای لاطائل با او بمیان نیاید چه او باید در ظرف این شش سال ذخیره از علم و معرفت که مطابق افق فهم او باشد برای خود تهیه نماید تا در تمام عمر او را بکار آید و بتواند آنرا در آینده بسط داده تکمیل کند .

بارعایت این دو مطلب تعلیمات ابتدائی میتواند دماغ طفل را پرورش دهد و تربیت آتیه او را تأمین کند .

در حقیقت تعلیمات ابتدائی باعث تمرین قوای معنوی طفل است همانطوریکه بوسیله ورزش قوای بدنی طفل تقویت میشود بواسطه تمرین دماغ و فهم او قوی گشته توسعه مییابد بدین جهت است که قوای دماغی طفل بحرکت افتاده مشغول تفحص و تجسس میگردد از این بعد است که هوش و کنجکاوی و قوه قضیه رو بنمو و تکمیل میگذارد و طفل اصول منطق را بدون مراجعه بکتاب یا حفظ قواعد آن فرامیگیرد حال میگوئیم توجه معلم بقوای طبیعی دماغی طفل و احتراز از تحمیل قواعد مشکله علمی بدماغ او باید در کلیه تعلیمات اولیه مخصوصا مدارس ابتدائی عمومی کاملا مراعات شود

در مدارس عمومی تعلیم و تدریس بطور کلی و جمعی صورت میگیرد و معلم نمیتواند وقت خود را تنها مصروف يك یا چند نفر نماید بلکه باید همه را در نظر بگیرد - زحمات او در آخر سال از پیشرفت توده محصلین بدست میآید نه از ترقیات يك یا چند نفر - بنا بر این باید جنبه عمومی درس بیشتر مراعات گردد هر قدر استعداد قوای دماغی اطفال در يك کلاس مختلف و متفاوت باشد باز يك حداقل معلومات و قابلیت ممکن است بین آنها یافت شود و بسیار کم اتفاق میافتد که محصلی دارای این حد اقل نباشد و صاحبان تجربه دانند که غالب شاگردان يك کلاس از این حد تجاوز کرده برای ارتقاء حاضر و مهیا میباشند پس اگر عده از محصلین کلاس نتوانند خود را باین حداقل برسانند باید معتقد شد که معلم در انجام وظیفه قصور ورزیده یا کاملا آشنا بتکلیف خود نبوده است

دکتروالی الله نصر ۱۳،۵،۱۶

اعتماد بنفس

همچو فانوس برده تا چند	بود باید بدست غیر پهای
چونکه دست از سر تو بردارند	راست دیگر نباید آن بالای
قد یکتا که مینمایانی	شکن و چین و خم کند صدتای
شمع بر پای خویش چون بستاد	روشنی بخش کشت و بزم آرای
سرفراز است اگر چه بگدازد	هر که چون شمع بود پابر جای
تیره بختی است تکیه برد گران	نپذیرفت مرد روشن رای
	افسر .